

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: کمیته دفاع از حقوق پیروان ادیان]

[تاریخ: ۲۰ شهریور ۱۳۹۴]

متن نامه سرگشاده قوام‌الدین ثابتیان شهروند بهایی ساکن ساری:

به نام خدا

با تقدیم احترام،

این جانب قوام‌الدین ثابتیان هفتاد و سه ساله، شغل: نجار، محل کار: ساری بلوار پاسداران بعد از گاردجنگل نرسیده به کوچه شهید قربانی، به نام: چوب و هنر صنعت نوین.

دارای پروانه کسب به شماره ۲۸۰۵ و به اعتبار ۵. ۱۱. ۱۳۹۸.

در تاریخ ۶. ۲. ۱۳۹۴ از طرف اداره محترم اماکن شهرستان ساری محل کار و کسب پلمب و جواز کارم را اخذ نمودند. بعد از مراجعات مکرر و اتلاف وقت در اداره اماکن نهایتاً در جواب استفساریه اداره اماکن از اتاق اصناف دستور فک پلمب در تاریخ ۲۱. ۲. ۱۳۹۴ صادر شد. با پیگیری همه روزه در تاریخ ۲۷ خرداد ۹۴ یعنی پنجاه و دو روز از پلمب گذشته مامورین اداره اماکن برای فک پلمب مراجعه کردند ابتدا برگه تعهدی را به من نشان دادند که در ذیل قسمت تایپ شده آن، با خود کار، چند موردی اضافه کردند که حقیقتاً توهین و تحقیر به اعتقادات و باورهای دینی من بوده و همچنین سلب اختیار از باز و بسته کردن مغازه؛ بدین صورت که یک هفته قبل از بستن مغازه در مواقع ضروری اداره اماکن را مطلع سازم؛ و این نه قانونی است و نه امکان‌پذیر. بند دوی قوانین صنفی ۱۵ روز بسته بودن مغازه را حق مسلم دانسته و بیش از این را با اطلاع اتحادیه ممکن ساخته. آنچه که مسلم است صرفاً بعلت اعتقاد به آیین بهایی چنین تبعیضی را روا داشتند، لذا ورقه امضا نشد و مغازه بسته مانده است.

قانون اساسی مملکت برای آحاد ملت دارای هر اعتقاد و مذهبی که باشند حقوقی برابر قائل است. همه بندگان پروردگار بیهمتابیم، هم وطنیم، شهروند این سرزمین مقدسیم و حیثیت جان و مال و حقوق مصون از تعرض. تفتیش عقاید ممنوع، گلستان وطن را گلهای رنگارنگیم. مشورت، شفقت و همکاری صادقانه راهکار اعتلا و پیشرفت جامعه ما است. تعصب و تفرق هادم بنیان انسانی است. همه بار و بر سرزمین نازنینیم.

شصت سال بعنوان یک صنعتکار متعهد به وظیفه در قبال مشتریان گرانقدر و انجام کار آنها به نحو شایسته صادقانه خدمت کردم حال در سن هفتاد و سه سالگی با نارسایی قلبی به ناچار برای رفع حوائج ضروری زندگی سعی می‌کردم ساعاتی در روز مشغول به کار باشم. آیا پاداش زحمت و صداقت اینگونه داده میشود؟ همسر من سی و پنج سال است که به مریضی دیابت و کم کاری تیروئید و عوارض آن گرفتار است. فرزند دخترم ۴۶ ساله مهجور و محروم از جمیع مواهب زندگی. رنج و درد بیشماری که دو خانواده بنده و همسر در قریه ایول واقع در صد کیلومتری ساری و قریه دذا در حومه ساری متحمل شده‌اند مثوی هفتاد من کاغذ است. آنچه را که در طول عمر برای تهیه آن زحمت کشیدند از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ به ناچار به اهل جور و عدوان سپردند. خانه‌ها ویران شد اثاث به یغما رفت و خودشان آواره و در به در شدند. منزل مسکونی جانب در قریه ایول ساختمانی در دو طبقه با بهترین چوب و ظریف‌کاری کم‌نظیر همراه منازل دیگر عزیزان با بولدوزر و گریدر تخریب و اثری از آن بر جای نماند. فرزندانم را به دانشگاه میهنم راه ندادند. از بند و زندانم که تنها به جرم بهایی بودن بر من روا داشتند سخن نمی‌گویم. امروز سخن از رزق یومی است که از طریق کار نجاری با اندک درآمد حاصل میشد این را هم قطع نمودند.



انتظار جانب از آن مقام محترم آن است که حقوق قانونی، حقوق صنفی، حقوق شهروندی و حقوق سالمندی که در این سالیان متمادی از بنده و خانواده دریغ و نادیده گرفته شده اعاده گردد. امیدوارم به عرایضم توجه و عنایت فرموده در جهت رفع موانع و فک پلمب محل کارم اقدامات مقتضی معمول بفرمایید. باتشکر و قدردانی، قوام الدین ثابتیان.

ارسال شده به: استانداری مازندران، اداره اماکن شهرساری، ریاست دادگستری استان مازندران، فرمانداری ساری، ریاست قوه قضائیه، ریاست قوه مقننه، کمیسیون اصل نود، دفتر ریاست جمهوری، دادستان کل کشور، وزارت کشور، دفتر رهبری.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]